

مارکس و خودکشی

با ویرایش و مقدمه‌های اریک ای. پلوت و کوین آندرسون

نویسنده: کارل مارکس

مترجم: حسن مرتضوی

مارکس و خودکشی در بستر سایر آثار او درباره‌ی بیگانگی و جنسیت

کوبین آندرسون^۱

نوشته‌ی مارکس درباره‌ی خودکشی که در این مجلد گنجانده شده، از جنبه‌های مختلفی نامتعارف است. نخست، این تنها بحث انتشاریافته‌ی مارکس درباره‌ی خودکشی است. او پس از انتشار این مقاله‌ی کوتاه در ۱۸۴۶ در مجله‌ی *آینه‌ی اجتماع*^۲ — یک مجله‌ی کوچک سوسیالیستی آلمانی که انگلس نیز با آن همکاری می‌کرد — هرگز دوباره به این موضوع نپرداخت. دوم، این متن شامل یکی از پیگیرترین بحث‌های مربوط به جنسیت در آثار اولیه‌ی مارکس است. مارکس در این مقاله به خودکشی زنان می‌پردازد و این وقایع را به ستم وارد به زنان در خانواده‌ی بورژوایی فرانسه مربوط می‌سازد. از چهار مطالعه‌ی موردی که وی با ذکر جزئیات در این متن مورد بررسی قرار می‌دهد، سه مورد به خودکشی زنان مربوط است. سوم، ساختار این متن تا حدی نامتعارف است. این مقاله که با عنوان «پوشه و خودکشی» انتشار یافته بود به معنای دقیق کلمه مقاله‌ی خودِ مارکس نیست. این مقاله شامل مقدمه‌ی چهار بندی کوتاه مارکس و سپس ترجمه همراه با ویرایش او از گزیده‌های طولانی درباره‌ی مسئله‌ی خودکشی در پاریس اوایل قرن نوزدهم است که از

۱. دانشیار در بخش جامعه‌شناسی دانشگاه ایلی‌نویز شمالی و نویسنده و پژوهشگر آمریکایی. - م.

خاطرات ژاک پوشه^۱، مقام برجسته‌ی پلیس فرانسه، اقتصاددان و کارشناس آمار استخراج شده است. [1]

این متن شباهت‌هایی با شماری از سایر متون مارکس دارد که امروزه برای درک کلیات آثار او بسیار مهم تلقی می‌شود. این متون که تا حدی شکل مشابهی دارند پیش از آن‌که سخنان خود مارکس باشند، گزیده‌هایی برگرفته از نویسندگان دیگر است. آن گزیده‌ها عبارتند از: «خلاصه‌ای از دولت‌مداری و آنارشیمی»^۲ باکونین (۱۸۷۴-۱۸۷۵)، یکی از برخورد‌های گسترده‌ی مارکس به آنارشیزم؛ *دفاتر قوم‌شناسی*^۳ (۱۸۸۰-۱۸۸۲) که به ساختارهای اجتماعی جوامع قبیله‌ای و سایر جوامع غیرغربی در آمریکا، هند و استرالیا، به ویژه با توجه به مناسبات جنسیتی، می‌پردازد؛ و *دست‌نوشته‌های ریاضی*^۴ (تاریخ نامعلوم). ده‌ها مجلد از این دفاتر گزیده که شامل یادداشت‌ها و تفاسیر گه‌گاهی درباره‌ی نویسندگان دیگر است، هرگز به هیچ‌زبانی انتشار نیافته و سرانجام در *مجموعه آثار مارکس-انگلس*^۵ منتشر خواهند شد. [2] با این همه مقاله‌ی مارکس درباره‌ی پوشه و خودکشی برخلاف دفاتر گزیده‌هایش با هدف انتشار نوشته شده بود.

در آستانه‌ی نگارش «پوشه و خودکشی»: بیگانگی،

انسان‌باوری و جنسیت در آثار اولیه‌ی مارکس، ۱۸۴۴-۱۸۴۵

مارکس از ۱۸۴۵ تا ۱۸۴۶ که این متن را درباره‌ی خودکشی تألیف کرد و انتشار داد، در بلژیک زندگی می‌کرد چراکه در ژانویه ۱۸۴۵ به دلیل فعالیت‌های سیاسی‌اش از فرانسه اخراج شده بود و در صورت بازگشت به

1. Jacques Peuchet
2. Statehood and Anarchy
3. Ethnological Notebooks
4. Mathematical Manuscripts
5. Marx-Engels Gesamtausgabe (MEGA)

وطن خود در دادگاه‌های پروس نیز تحت پیگرد قرار می‌گرفت. کمی پیش از آن، در دوران اقامتش در پاریس از اکتبر ۱۸۴۳ تا ژانویه ۱۸۴۵، شروع به مطالعه‌ی عمیق اقتصاد سیاسی کرده بود. مارکس در پاریس در آنچه که اکنون به نام *دست‌نوشته‌های اقتصادی و فلسفی ۱۸۴۴* معروف شده است، برای نخستین بار به طور همه‌جانبه‌ای به ماهیت جامعه‌ی سرمایه‌داری، بیگانگی، سوسیالیسم و کمونیسم و برداشت خود از دیالکتیک پرداخت. این موضوعات به محور آثار او در بقیه‌ی زندگی تبدیل شد. چنانکه معروف است، مارکس در *دست‌نوشته‌های ۱۸۴۴* برای نخستین بار بیگانگی را که پرولتاریای صنعتی با آن مواجه بود، مفهوم‌بندی کرد. وی می‌نویسد که کارگران با محصولات کار خود بیگانه‌اند. سرمایه‌داری برای ثروتمندان «قصر» می‌سازد، «اما برای کارگر آلونک».[3] اگر چه قدمت این مشکل به اندازه‌ی اهرام دیرینه است، اما آنچه در نظام سرمایه‌داری جدید است، شیوه‌ای است که همین فرایند کار، کارگر را «به ماشین» تبدیل کرده (MECW، جلد سوم، ص. ۲۷۳) و او را از «فعالیت آزاد و آگاهانه محروم می‌کند». از نظر مارکس چنین فعالیت «خصلت نوعی موجودات انسانی است» (MECW، جلد سوم، ص. ۲۷۶). انکار این فعالیت آزاد و آگاهانه، بیگانگی را در تمامی مناسبات انسانی به وجود می‌آورد. چنین زندگی ماشین‌واری که افراطی‌ترین شکل آن در کارخانه‌ی سرمایه‌داری یافت می‌شود، در جامعه‌ی بورژوایی به نحو فزاینده‌ای یک واقعیت اجتماعی عام است.

در بخش دیگری از *دست‌نوشته‌های ۱۸۴۴*، «نقد دیالکتیک هگلی»، مارکس استدلال می‌کند که هگل در *پدیدارشناسی ذهن* نقدی را پرورانده که «اگرچه هنوز در شکلی بیگانه‌شده است، اما قلمروهای کاملی چون مذهب، دولت، جامعه مدنی و غیره را در بر می‌گیرد» (MECW، جلد سوم، ص. ۳۲۲). مارکس در اینجا در یک تراز فلسفی انتزاعی، خطوط کلی بدیلی را در